

کرونا؛ جنگ یا صلح



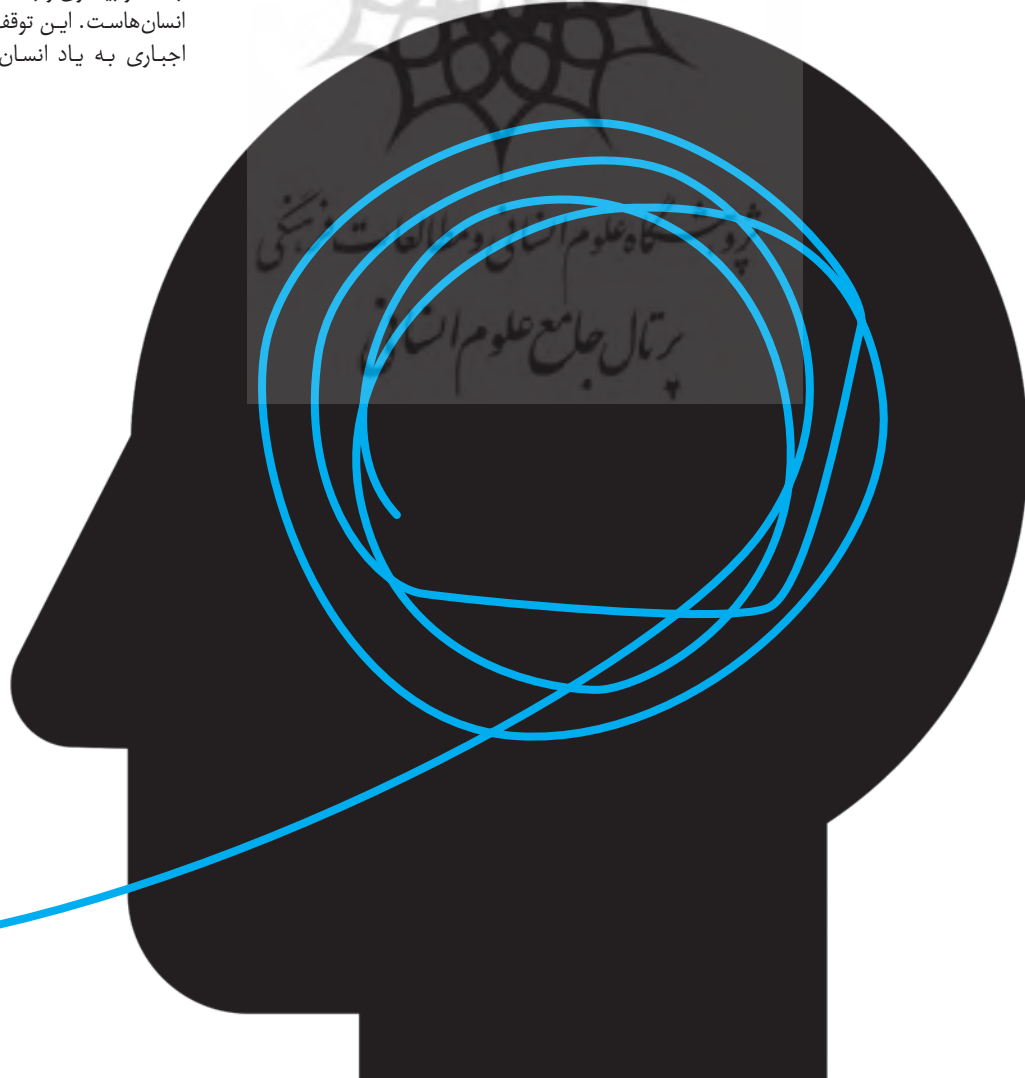
انسان‌ها به دنیا می‌آیند و درحقیقت جهان وطن انسان است؛ اما انسان با تکه‌پاره کردن جهان برای خود وطن می‌سازد. انسان با وساطت رنج‌ها و شادی‌های فراگیر جهان را به‌منزله وطن خود درک می‌کند. «ارنست بلوخ»، فیلسوف امید، در کتاب «اصل امید» می‌گوید که جهان پر از زیگزاگ و پسرقت و پیشرفت و عرصه‌ستیز است. این جهان

برای انسان‌ها هنوز به میهن تبدیل نشده و انسان‌ها در غربت به سر می‌برند و از خودبیگانه هستند و امید آن است که زمانی جهان به خانه انسان‌ها تبدیل شود. براساس چنین رویکردی می‌توان به غم‌ها و شادی‌ها و بیماری‌ها و رنج‌ها و جنگ‌ها و صلح‌های فراگیر به‌منزله امکان‌هایی برای تبدیل جهان به وطن مألوف انسان‌ها نگاه کرد. هر یک از این مقولات براساس تجارب مشترک زیسته‌ای که برای انسان‌ها می‌سازند، وطن به‌منزله زادگاه را گسترش می‌دهند.

پدیده کرونا و تجربه مشترک وحشت از ابتلا به بیماری و زیست درازمدت در قرنطینه خانگی و دورماندن از عرصه جهان اجتماعی بسیاری از انسان‌ها را به تفکر درخصوص مراقبت از جهان و طبیعت به‌منزله اصلی‌ترین سکونتگاه و وطن واقعی انسان‌ها واداشت. پدیده بیماری چیزی نیست که از خارج بر آدمی تحمیل شود. بیماری حاصل انباشت و تجمع مواد زائد در بدن و اعلام وضعیت قرمز و نشانه وجود خطر برای سلامت است؛ همچنان که جنگ به‌منزله بلای فراگیر بیانگر وجود انباشت خشونت‌ها و آسیب‌های اجتماعی سیاسی و نشانه وجود مخاطرات برای صلح است. صلح نیز از درون و اعماق وجود آدمی می‌جوشد و همچون پری رویان تاب مستوری ندارد و به بیرون راه پیدا می‌کند.

صلح تم اصلی جهان و به معنای آشتی و پیوستگی متقابل تمامی اجزای طبیعت (و انسان در مقام جزئی از طبیعت) به یکدیگر در مقام اکوسیستم است. جنگ وقفه‌ای کوتاه در تم دائمی و پیوسته جهان قائم به صلح است؛ همچنان که بیماری‌ها و بلایای فراگیر وقفه‌هایی کوتاه در متن سلامت و امنیت جهان‌اند. کارکرد مشترک وقفه‌هایی چون جنگ و بیماری و بلاهای فراگیر هشدار به انسان‌هاست. این توقف‌ها و قرنطینه‌های اجباری به یاد انسان‌ها می‌آورند که در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



جهان غلط آغشته به نابرابری‌های مهلک و رقابت‌های نفس‌گیر و ناسالم نمی‌توان درست زندگی کرد. سلامت بازگشت به اصل احترام به صلح درون و درک پیوستگی ساختاری اجزای بدن و ذهن و جسم در مقام ماده و معناست، صلح هم در اصل بازگشت به این حقیقت است: انسان جزئی از ساختار طبیعت است و حاکم و ارباب طبیعت نیست. کرونا در مقام بیماری و بلای فراگیر که سلامت کل جهان را به مخاطره جدی افکنده، فارغ از «ما» و «آن‌ها» یا من و دیگری به انسان‌ها فهماند آنچه از طبیعت و علم می‌داند، بسیار اندک است. کرونا به انسان‌های خودشیفته و خود دانای کل پندار در جهان فهماند انباشت دانش اگر به کار درک پیوستگی ساختاری انسان و جهان به منزله میهن آدمیان نیاید، همچون زوائد بلع شده در وجود آدمی تبدیل به سم می‌شود و سلامت جهان را به مخاطره می‌افکند. ببینید چگونه ویروس کرونا که ساده‌ترین ماده ژنتیکی شناخته شده در جهان و در اصل ساده‌ترین ساختار شعورمند جهان است، توانسته پیچیده‌ترین ساختار شعورمند جهان یعنی انسان را زمین‌گیر و خانه‌نشین سازد؛ همین کرونا که همچون اسرافیل در صور می‌دمد تا خواب‌خفتگان در گور عادت‌های انباشت شده را آشفته سازد و آن‌ها را به وضعیت اسفناکشان آگاه سازد؛

کرونایی که ظاهراً قاتل انسان‌هاست، اما حقیقت این است که کرونا مانند هر انگل دیگر صرفاً می‌خواهد جست‌وجو کند، رودررو شده و تسلیم نشود؛ از آنجاکه در بیماری و بلا و جنگ اصل زنده ماندن به هر قیمت هدف می‌شود. تاب‌آوران کسانی هستند که جهان گنگ و خاموش را نمی‌پذیرند و «زندگانی» را به «زنده‌مانی» به هر قیمت تقلیل نمی‌دهند.

«آلبر کامو»، نویسنده رمان طاعون، می‌گوید انسان طاعون‌زده فردی قرنطینه در «ما» یعنی هستی مشترک انسان‌هاست. او در نامه‌ای به رولان بارت در مقایسه با رمان بیگانه می‌نویسد: طاعون در مقایسه با بیگانه «گذاری است از طغیان فردی به جهان اجتماعی». جهان اجتماعی جایی است که در بستر آن زندگی بر اساس مشارکت و مقاومت

در برابر انکار مفهوم هم‌بستگی انسان‌ها معنا می‌یابد و جریان پیدا می‌کند. تاب‌آوری نماد خستگی‌ناپذیری هستی و مقاومت در برابر مرگ است؛ همچنان‌که درمقابل با کرونا انسان‌ها به کسی یا چیزی پیروز نمی‌شوند، بلکه در پرتو مبارزه با کرونا و مقاومتی که در برابر مرگ می‌کنند، قادر خواهند شد در پرتو تجربه زیسته مشترکشان در رنج‌ها و شادی‌ها جهان را به منزله میهن درک کنند تا جانشان از احساس درخودماندگی به عبث و تنهایی و رنج غریبی در وطن خویش نجات یابد.



کرونا به انسان‌های خودشیفته و خود دانای کل پندار در جهان فهماند انباشت دانش اگر به کار درک پیوستگی ساختاری انسان و جهان به منزله میهن آدمیان نیاید، همچون زوائد بلع شده در وجود آدمی تبدیل به سم می‌شود و سلامت جهان را به مخاطره می‌افکند

